

موسسه اعتباری با مشکل مواجه می‌شود. در این شرایط این سوال مطرح است که چگونه باید با شاخصه عکس‌العمل آنی برخاسته از ویژگی کارایی بازار به منظور جلوگیری از شکل‌گیری یک هجوم بانکی مقابله کرد. در اینجا لازم است چند پیش‌فرض اساسی را مدنظر قرار دهیم:

اخیراً مشاهده می‌شود که هر از چند گاهی شایعه ورشکستگی یک بانک یا موسسه مطرح و متقابلاً آن شاهد شکل‌گیری هجوم بانکی هستیم و موسسه مذکور در دایره تعریف ورشکستگی قرار نمی‌گیرد و این در حالی است که با شکل‌گیری یک هجوم گسترده قطعاً یک بانک یا

دکتر علی ارشدی
کارشناس بانکی

کارایی بازار و هجوم سپرده‌گذاران

نقدینگی در لحظات اولیه و مدیریت صف به منظور جلوگیری از ازدحام بسیار حائز اهمیت است.

- گروه‌بندی مشتریان و داشتن یک راهبرد مشخص برای برخورد با مشتریان vip از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فقدان این دسته‌بندی و راهبرد می‌تواند ضربه جبران‌ناپذیری به موسسه از ناحیه سلب

اعتماد دائمی مشتریان کلان تلقی شود. - در شرایط بحرانی رفتار حرفه‌ای سایر بانک‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در پاره‌ای موارد مشاهده می‌شود که سایر بانک‌ها درصد بهره‌برداری از شرایط پیش‌آمده به نفع خود هستند و این در حالی است که متوجه تاثیر رفتار خود بر کاهش سطح اعتماد عمومی به نظام بانکی و تشدید بحران از یکسو و از سوی دیگر معکوس شدن چرخه خلق نقدینگی از سپرده به وجه نقد و به احتمال زیاد خروج آن از کشور نیستند.

- تقریباً محال است که بانک یا موسسه‌ای در هنگام یورش بدون کمک بانک مرکزی جان سالم به در برد. بر این اساس در هنگام شکل‌گیری هجوم لازم است بانک مرکزی در قالب اتاق بحران یا اتاق مونیتورینگ ضمن نظارت و کنترل اقدامات بانک به ویژه چگونگی مصرف خطوط اعتباری توسط بانک از ابزارهای خود در زمان مناسب بهره‌مند شود.

خود در شرایط هجوم حداقل یک نرخ فرار (run off rate) کف ۲۰ درصدی از کل منابع را در نظر بگیرند.

- بانک باید حتی بیش از صورت سود و زیان به صورت جریان وجوه اهمیت دهد و در صورت وخامت جریان‌های نقدی عملیاتی هشدار لازم را دریافت کند و پیش‌بینی لازم را انجام دهد.

- درز اطلاعات درونی (inside information) به ویژه عموماً از ناحیه اعضای هیات‌مدیره و سهامداران اصلی و طلبکاران عمده یکی از اصلی‌ترین منابع شکل‌گیری یورش بانکی تلقی می‌شود؛ بنابراین باید حساسیت‌ها در این شرایط دوچندان شود.

- موسسات و بانک‌های ادغام‌شده یا در حال ادغام عموماً به دلیل مشکل عدم وحدت فرماندهی و اختلافات مالکان اصلی اساساً مستعد شکل‌گیری یورش هستند و به قالب یخ در زیر آفتاب بی‌توجه هستند. بدیهی است عدم مدیریت اختلافات و سرریز شدن آن به صف و ستاد سرآغاز شکل‌گیری یک بحران تلقی می‌شود.

- تزریق قطره‌چکانی نقدینگی در شرایط هجوم بدترین راهبرد در مدیریت بحران است؛ این مساله به معنی تداوم و گسترش بحران برای مدت طولانی‌تر محسوب می‌شود و در همین رابطه تزریق سریع

- اصولاً سپرده‌گذاران در نظام بانکی در زمره افراد ریسک‌گریز طبقه‌بندی می‌شوند.

- توده مردم عموماً نسبت به حقایق بسیار ساده از خود توجه نشان می‌دهند و نه تحلیل‌های فنی و کارشناسانه.

- باید مابین مفهوم ورشکستگی یک موسسه یا بانک و ناتوانی موقتی آن در پرداخت تفاوت قائل شد و این تفاوت ماهوی تمام مفهومی است که موسسه باید درصدد القای آن به توده مردم باشد.

- در نشان دادن عکس‌العمل سریع از سوی سپرده‌گذاران به اطلاعات نباید تردید داشت و هیچ روشی برای تخمین میزان یورش و شدت آن وجود ندارد.

- باید مابین عکس‌العمل سهامداران به اطلاعات و صورت‌های مالی و عکس‌العمل سپرده‌گذاران به اطلاعات عمومی تفاوت ماهوی قائل شد.

- عمده بانک‌ها و موسسات از برنامه‌های روشنی در زمینه مدیریت نقدینگی برخوردار نیستند و مدیریت‌هایی نظیر ریسک و دارایی و بدهی بیشتر به شکل صوری به فعالیت می‌پردازند.

با این پیش‌فرض‌ها باید چند توصیه به بانک‌ها و موسساتی که در معرض هجوم و لاجرم مشکل نقدینگی قرار می‌گیرند، ارائه کرد:

- بانک‌ها باید در محاسبات تامین نقدینگی